

# تحریک مسکو به جنگ جهانی سوم

سیاست آمریکا برای شکست کامل روسیه در اوکراین عواقبی غیر قابل پیش بینی دارد



اختصاص صدها میلیون دلار کمک نظامی به اوکراین، صرفاً به دنبال «حمایت از مردم این کشور است.» با این حال، واشنگتن به هیچ وجه اقدامی برای پایان دادن به این جنگ نکرد و با وجود سفرهای متعدد مقامات آلمانی و فرانسوی به مسکو و تلاش برای میانجیگری، مقامات امریکایی حاضر نشدند در این اقدامات نقشی داشته باشند و به گفته ناظران، جای آمریکا پای میز مذاکره به نحو سؤال‌برانگیزی خالی ماند. شاید مقاومت نیروهای اوکراینی در برابر ارتش روسیه به تدریج تأثیر خود را در واشنگتن گذاشت و مقامات امریکایی را متقاعد کرد که می‌توانند به‌ گزینۀ دیگری فکر کنند و با مداخله غیر مستقیم در جنگ اوکراین نقش فعال‌تری را در برابر روسیه به عهده بگیرند.

■ **فقط شکست روسیه**

حالا معلوم شده‌است استراتژی آمریکا در قبال جنگ اوکراین به هیچ روی شامل میانجیگری، مذاکره یا شاید صلح مورد قبول دو طرف نیست بلکه واشنگتن در این جنگ تنها یک هدف را دنبال می‌کند و آن چیزی جز شکست تمام‌عیار روسیه نیست. این چیزی بود که نانسئ پولوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به صراحت بر زبان آورد و بعد از سفری که به اوکراین داشت، اعلام کرد: «امریکا روز بعد از شروع تهاجم روسیه به اوکراین در ۲۴فوریه مدعی آن شد و گفت که واشنگتن با به پیروزی در کنار اوکراین ایستاده‌ایم» و

تأکید کرد: «ایالات متحده آمریکا در این مسیر تا پیروزی پیش می‌رود.» نکته جالب توجه این است که پولوسی هیئتئ را همراه خود به کی‌یف برد که همگی از هم‌حزبی‌های او در حزب دموکرات بودند و حتی یکی از نمایندگان حزب جمهوریخواه را به همراه نداشت، به عبارت دیگر، پولوسی قصد داشت دو نکته را بیان کند؛ اول اینکه هدف راهبردی آمریکا در این جنگ پیروزی اوکراین و شکست روسیه‌است و دوم، این پیروزی نه تنها پیروزی اوکراین یسا آمریکا خواهد بود بلکه پیروزی حزب دموکرات است. شاید به این دلیل است که جمهوریخواهان کنگره نه تنها حمایت قابل توجهی از لایحه کمک نظامی به اوکراین کردند بلکه هیئت هشت نفره‌ای از آنها به ریاست میچ مک کانل، رهبر جمهوریخواهان



استراتژی آمریکا در قبال جنگ اوکراین به هیچ روی شامل میانجیگری، مذاکره یا شاید صلح مورد قبول دو طرف نیست بلکه واشنگتن در این جنگ تنها یک هدف را دنبال می‌کند و آن چیزی جز شکست تمام‌عیار روسیه نیست

زخم‌هایی که جنگ اوکراین آنها را نمایان می‌کند

## ناتوی بی ثبات‌ساز تا بی ثباتی ناتو



در ناتو به عنوان ابزاری برای رسیدن به دیگر اهداف خود از جمله موافقت آمریکا با فروش تسلیحات جدید از جمله انواع پیشرفته جنگنده اف ۱۶ و نیز تخت فشار گذاشتن این دو کشور اروپای شمالی به اخراج اعضا و هواداران پ.ک.ک استفاده کند.

■ **درخواست رسمی**

«سناتولی نینیسستو» رئیس جمهور و «سنا مارین» نخست‌وزیر فنلاند، روز پنج‌شنبه ۲۲ اردیبهشت با انتشار بیانیه‌ای مشترک ضمن تأکید بر اهمیت عضویت «بیدون تأخیر» فنلاند در ناتو ابراز امیدواری کردند اقدامات ملی لازم برای اخذ این تصمیم «به سرعت ظرف چند روز آینده» انجام شود. این موضوع نشان دهنده تغییر سیاست سنتی این کشور در زمینه بی‌طرفی با توجه به حمله روسیه به اوکراین از رزبایی شده است. فنلاند که تمام نظامیان کرواسی عضو آموریت ناتو در شرق اروپا را به کشور برمی‌گرداند. از دیدگاه سرن کرواسی اساساً پیوستن به ناتو با هدف ارتقای امنیت ملی این کشور صورت گرفته است، اما اکنون ناتو که در واقع به ابزاری در دست آمریکا برای پیشبرد اهداف ضدروسی واشنگتن تبدیل شده است، خود زمینه ثباتی و جنگ‌افروزی در اروپا را با تلاش مستمربرای امنیت و دربرگیری روسیه از طریق عضویت اعضای جدید در غرب و شمال این کشور ایجاد می‌کند. ترکیه نیز قصد دارد از مسئله عضویت فنلاند و سوئد

بود. فریدمن نوشت: «رئیس جمهور آمریکا با مدیر اطلاعات ملی آمریکا، رئیس سازمان سیا و وزیر دفاع کشورش تماس گرفته است تا به آنها هشدار دهد چنین «گفت‌وگوهای بی‌برده‌ای» باید به سرعت و «قبل از اینکه خودمان را در یک جنگ ناخواسته با روسیه بیابیم»، متوقف شوند. در واقع، افشای دخالت آمریکا در چنین حوادث مهم نظامی به خوبی نشان داد آمریکا عملاً در میدان جنگ اوکراین دخالت می‌کند و بایدن از این می‌ترسد که افشاکری‌های بیشتر انجام و دخالت‌های بیشتر آمریکا در این جنگ برملا شود. پاتریک پوکانان از تحلیلگران سابقه‌ای امریکایی در تارنصای آنتنی‌وار در این مورد نوشت: «با لاف‌زنی علنی به اینکه ما کشتن زئرال‌های روسی و غرق رزمناو مسکورا را مهندسی کرده‌ایم، به ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه طعنه می‌زنیم و او را تحریک می‌کنیم که علیه ما دست به انتقام‌جویی بزند و در نتیجه، احتمال جنگی گسترده‌تر بین آمریکا و روسیه را افزایش می‌دهیم که می‌تواند منجر به جنگ جهانی سوم شود.» در واقع، انتشار این افشاکری‌ها دا‌عاهای پوتین را در مورد قصد آمریکا برای شکست روسیه را ثابت می‌کند اما باید در نظر داشت که پوتین بعد از ناکامی در مرحله نخست جنگش در اوکراین برای تصرف سریع و برق‌آسای کی‌یف، استراتژی محتاطانه‌تری را در این جنگ در پیش گرفته است و سعی می‌کند در وهله نخست جا پای خود را در جنوب و شرق اوکراین به آرامی تثبیت کند تا اینکه با تثبیت موقعیتش در شرق وارد معامله‌ای با کی‌یف اوکراین و هدف آن برای شکست روسیه، آیا اصولاً تحقق چنین هدفی ممکن است؟ پاسخ این است که باعث ترس تحلیلگرانی نظیر پوکانان شده به خصوص اینکه روسیه کشوری مسلح به سلاح هسته‌ای است و جنگ نیابتی آمریکا در اوکراین می‌تواند مسکو را به جایی بکشاند که به جز استفاده از این تسلیحات دست‌کم در سطح تاکتیکی، چاره‌ای دیگر برای پاسخ دادن به واشنگتن نداشته باشد. عبارت دیگر، رویه‌ای که واشنگتن برای جنگ نیابتی‌اش در اوکراین در پیش گرفته، هر چند برخودار از حمایت‌وحزبی‌ست، اما می‌تواند جهان را به روزهای پسیل تاریک‌تر از گذشته و حتی جنگ جهانی سوم بکشاند.

■ **سیدرحیم نعمتی**
وب‌سایت لوموند دیپلماتیک به مناسبت مطلبی در ماه می، کاریکاتور جالب توجهی را منتشر کرد. جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در این کاریکاتور در کنار اوزرولافن در لاین، رئیس کمیسیون اروپا و جلوی مجسمه مشهور آزادی آمریکا ایستاده است و با اشاره به این مجسمه از نمایندگان سه کشور عربی، چین و هند می‌پرسد: «مشکل شما با مدل ما چیه؟» نماینده کشور عربی می‌گوید: «اینکه یک زن!»، چین می‌گوید: «تحمیلی است» و هند می‌گوید: «متکبرانه است.» این کاریکاتور به خوبی وضعیت آمریکا به همراه غرب را در جهان فعلی به تصویر کشیده است؛ جهانی که دیگر حاضر نیست مدل غربی را تقدیس کند و حاضر است با نه گفتن به آن، هویتی مستقل فرارغ از برچسب‌های غربی داشته باشد.

■ **دکترین استعماری**

دکترین مونرو (Monroe Doctrine) دکترین آمریکا در سیاست خارجی بود که از سوی جیمز مونرو، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در دوم دسامبر ۱۸۲۳ اعلام شد. بنا بر این دکترین، دولت آمریکا با استعمار سایر کشورها در قاره آمریکا مخالفت می‌کند و از دخالت‌های اروپایی در کشورهای این قاره آمریکا مخالفت می‌کند و با خودداری از دخالت در جنگ‌های بین قدرت‌های استعماری اروپایی و مستعمرات



دخالت می‌کند. بااین حال، هونیار یا اعصابیت به واشنگتن «نه» گفته چراکه به قول باندو، کشورهای مثل مجمع‌الجزایر سلیمان خسته شده‌اند از اینکه می‌بینند آمریکا آنها را به چشم بخشی تخصصی می‌بیند که باید توبیخ شوند و با تفرقه‌اریاب‌مایانه، توهین آمیز و همراه با تهدید» به آنها امر و نهسی می‌کند. چیزی که واشنگتن متوجه نیست، تغییری است که در جهان رخ داده و آمریکا دیگر نمی‌تواند آن جایگاه «هربری» گذشته را داشته باشد.

■ **جهان چندقطبی**
باندو در مقاله خود می‌نویسد: «به نظر می‌رسد باور آمریکا به «مرحله تک‌قطبی» بعد از جنگ سرد، واشنگتن را به این عقیده راسخ خطنانپذیری و پاکی کشانده است اما آن جهان دیگر ناپدید شده است.» در واقع، جهان امروز در حال گذار از دوقطبی دوران جنگ سرد و تک‌قطبی در دو دهه بعد از آن است و جالب این است که حتی متحد سنتی عرب آمریکا نیز این نکته را به واشنگتن گوشزد می‌کند. روزنامه الریاض روزنامه‌ای وابسته به دربار آل سعود است که در شماره هشتم مارس ۲۰۲۲ نوشت: «نظم قدیم جهان که پس از جنگ جهانی دوم ظهور یافت، دوقطبی بود و پس از فروپاشی اتحاد شوروی تک‌قطبی شد. امروز ناظر آغاز تغییریاتی به سوی نظم جهانی چندقطبی هستیم.»الر یاض با اشاره به جنگ فعلی در اوکراین افزود: «موضع برخی کشورهای اروپای لاتین و حوزه کارائیب بوده آزادی ودموکراسی، بلکه منافع‌شان برای حفظ نظم کنونی است.» این نوع نگاه منحصر به این روزنامه در جهان عرب نیست و آنابورشفسکا یا مروزی به کاریکاتورهای عرب نگارنده و با وجود واکنش‌های متنوع آنها به این جنگ، دو موضوع اصلی نقطه مشترک آنهاست؛ عدم‌توازن عمیق بین واکنش غرب به این جنگ و وسایر درگیری‌ها و مسئله فلسطین.

آنها، وقوع جنگ با فعالیت استعماری در قاره آمریکا، را به عنوان حرکتی خصمانه قلمداد می‌کرد. تجربه ۲۰۰ سال‌گذشته نشان داده منظور آمریکا از این دکترین انحصار استعماری خود بر قاره آمریکا بوده است که آن را حیاط خلوت خاص خود می‌داند.تین سندرز، سناتور و از سیاستمداران پیشرو آمریکا در فوریه تأیید کرد که آمریکا همواره به دنبال تضعیف دولت‌های امریکای لاتین و حوزه کارائیب بوده و در این خصوص گفت: «در ۲۰۰سال گذشته کشور ما تحت دکترین مونرو فعالیت کرده و این پیش‌فرض را در پیش گرفته است که آمریکا به عنوان قدرت برتر در نیمکره غربی این حق را دارد در امور هر کشوری که ممکن است منافع ادعایی ما را تهدید کند، مداخله کند. ما با این دکترین دست‌کم ده‌ها دولت را تضعیف و سرنگون کرده‌ایم.» حالا واشنگتن می‌خواهد با دعوت نکردن از کوبا، نیکار گونه و ونزوئلا به نشست قاره آمریکا در ماه آینده میلادی، عملاً آنها را از جمع کشورهای این قاره حذف کند اما مانوئل لویز لوبوآدور و لوئیس آرسه، رؤسای جمهور مکزیک و بولیوی در واکنش به این اقدام گفته‌اند که اگر آمریکا اصرار به دعوت نکردن از این سه کشور داشته باشد، آنها هم در این نشست شرکت نخواهند کرد. این یک «نه» به دکترین استعماری مونرو آمریکا بر اوکراین دیگر آن کارکرد سابق را ندارد.

■ **مشکل رهبری آمریکا**

داگ باندو در مقاله ۱۲می‌وب‌سایت آنتی‌وار درخواست فنلاند برای عضویت در ناتو و استقبال سرن این سازمان نظامی از این امر و در نهایت تحقق عضویت فنلاند و سوئد در ناتو این امر می‌تواند به اختلافات جدی روسیه با روسیه و افزایش می‌دهد. خطر درگیری مستقیم میان روسیه و ناتو می‌تواند کاملاً به جنگ هسته‌ای تبدیل شود که سناریوی فاجعه‌باری برای همه خواهد بود. اکنون با درخواست فنلاند برای عضویت در ناتو و استقبال سرن این سازمان نظامی از این امر و در نهایت تحقق عضویت فنلاند و سوئد در ناتو این امر می‌تواند به اختلافات جدی روسیه با روسیه و سوئد به ناتو هیچ محبتی درباره وضعیت غیر هسته‌ای منطقه بالتیک وجود نخواهد و افزایش دهد.»

### «نه» جهان به مجسمه آزادی

دیگر کسی حاضر به تقدیس مدل امریکایی نیست

می‌گویند، منظور شان این است که دیگران از دستورات آمریکا تبعیت نمی‌کنند. آنها باید مجبور به تبعیت کرد، خواه از طریق فشار دیپلماتیک و تحریم‌های اقتصادی باشد یا در صورت لزوم، از طریق اقدامات نظامی.» مثالی که او ذکر می‌کند جالب توجه است؛ مجمع‌الجزایر سلیمان در اقیانوس آرام. این مجمع‌الجزایر کوچک اخیراً معاهده‌ای با جمهوری خلق چین امضا کرده که هر چند جزئیات آن منتشر نشده است اما چنین به نظر می‌رسد که چین بنا بر آن می‌تواند از نیروی پلیس و نظامی خود در این مجمع‌الجزایر برای حمایت از حکومت آن، اتباع چینی و حتی بنادر آن استفاده کند. شکی نیست که چنین چیزی برای آمریکا قابل تحمل نیست و به همین جهت، آمریکا به همراه متحدش استرالیا به شدت واکنش نشان داده‌اند. این دو از هونیار، ریاستخ مجمع‌الجزایر سلیمان خواسته‌اند این معاهده را لغو کند و حتی این مجمع‌الجزایر را به صورت سرسته تهدید به اقدام نظامی کرده‌اند. باندو این مورد را مثال آشکاری از ریاکاری آمریکا می‌داند که منطقه آسیا و اقیانوس آرام را بر آن معاهدات، انتزاف‌ها، شراک، پاک‌ها، پادگان‌ها، نیروها و کشتی‌های خود کرده است اما حاضر به تحمل یک معاهده نیست و به این صراحت در امور داخلی مجمع‌الجزایر سلیمان



دخالت می‌کند. بااین حال، هونیار یا اعصابیت به واشنگتن «نه» گفته چراکه به قول باندو، کشورهای مثل مجمع‌الجزایر سلیمان خسته شده‌اند از اینکه می‌بینند آمریکا آنها را به چشم بخشی تخصصی می‌بیند که باید توبیخ شوند و با تفرقه‌اریاب‌مایانه، توهین آمیز و همراه با تهدید» به آنها امر و نهسی می‌کند. چیزی که واشنگتن متوجه نیست، تغییری است که در جهان رخ داده و آمریکا دیگر نمی‌تواند آن جایگاه «هربری» گذشته را داشته باشد.

■ **جهان چندقطبی**

باندو در مقاله خود می‌نویسد: «به نظر می‌رسد باور آمریکا به «مرحله تک‌قطبی» بعد از جنگ سرد، واشنگتن را به این عقیده راسخ خطنانپذیری و پاکی کشانده است اما آن جهان دیگر ناپدید شده است.» در واقع، جهان امروز در حال گذار از دوقطبی دوران جنگ سرد و تک‌قطبی در دو دهه بعد از آن است و جالب این است که حتی متحد سنتی عرب آمریکا نیز این نکته را به واشنگتن گوشزد می‌کند. روزنامه الریاض روزنامه‌ای وابسته به دربار آل سعود است که در شماره هشتم مارس ۲۰۲۲ نوشت: «نظم قدیم جهان که پس از جنگ جهانی دوم ظهور یافت، دوقطبی بود و پس از فروپاشی اتحاد شوروی تک‌قطبی شد. امروز ناظر آغاز تغییریاتی به سوی نظم جهانی چندقطبی هستیم.»الر یاض با اشاره به جنگ فعلی در اوکراین افزود: «موضع برخی کشورهای اروپای لاتین و حوزه کارائیب بوده آزادی ودموکراسی، بلکه منافع‌شان برای حفظ نظم کنونی است.» این نوع نگاه منحصر به این روزنامه در جهان عرب نیست و آنابورشفسکا یا مروزی به کاریکاتورهای عرب نگارنده و با وجود واکنش‌های متنوع آنها به این جنگ، دو موضوع اصلی نقطه مشترک آنهاست؛ عدم‌توازن عمیق بین واکنش غرب به این جنگ و وسایر درگیری‌ها و مسئله فلسطین.

آنها، وقوع جنگ با فعالیت استعماری در قاره آمریکا، را به عنوان حرکتی خصمانه قلمداد می‌کرد. تجربه ۲۰۰ سال‌گذشته نشان داده منظور آمریکا از این دکترین انحصار استعماری خود بر قاره آمریکا بوده است که آن را حیاط خلوت خاص خود می‌داند.تین سندرز، سناتور و از سیاستمداران پیشرو آمریکا در فوریه تأیید کرد که آمریکا همواره به دنبال تضعیف دولت‌های امریکای لاتین و حوزه کارائیب بوده و در این خصوص گفت: «در ۲۰۰سال گذشته کشور ما تحت دکترین مونرو فعالیت کرده و این پیش‌فرض را در پیش گرفته است که آمریکا به عنوان قدرت برتر در نیمکره غربی این حق را دارد در امور هر کشوری که ممکن است منافع ادعایی ما را تهدید کند، مداخله کند. ما با این دکترین دست‌کم ده‌ها دولت را تضعیف و سرنگون کرده‌ایم.» حالا واشنگتن می‌خواهد با دعوت نکردن از کوبا، نیکار گونه و ونزوئلا به نشست قاره آمریکا در ماه آینده میلادی، عملاً آنها را از جمع کشورهای این قاره حذف کند اما مانوئل لویز لوبوآدور و لوئیس آرسه، رؤسای جمهور مکزیک و بولیوی در واکنش به این اقدام گفته‌اند که اگر آمریکا اصرار به دعوت نکردن از این سه کشور داشته باشد، آنها هم در این نشست شرکت نخواهند کرد. این یک «نه» به دکترین استعماری مونرو آمریکا بر اوکراین دیگر آن کارکرد سابق را ندارد.

■ **مشکل رهبری آمریکا**

داگ باندو در مقاله ۱۲می‌وب‌سایت آنتی‌وار درخواست فنلاند برای عضویت در ناتو و استقبال سرن این سازمان نظامی از این امر و در نهایت تحقق عضویت فنلاند و سوئد در ناتو این امر می‌تواند به اختلافات جدی روسیه با روسیه و سوئد به ناتو هیچ محبتی درباره وضعیت غیر هسته‌ای منطقه بالتیک وجود نخواهد و افزایش دهد.»